



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



ستاره‌ای از افریقا

فضله زهرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضه زهرا (سلام الله عليها) ستاره ای از آفریقا

نویسنده:

اشرف آشوری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	فضه زهرا ستاره ای از آفریقا
۶	مشخصات کتاب
۶	ورود فضه به مدینه و آشنایی با اهل بیت
۶	دیار فضه
۶	فضه کیست؟
۷	لحظه حضور
۱۱	در مکتب رسول
۱۲	زهد علی، عدل زهرا
۱۶	مقام نیکان
۲۱	رحلت پیامبر
۲۱	دوران بعد از رحلت
۲۳	روزی که لاله پرپر شد
۲۵	آخرین فریاد
۲۵	محرم کوثر
۲۶	شهادت حضرت فاطمه
۲۷	خانواده و فرزندان
۲۹	اعتراض به حاکمیت
۳۱	فریاد با سکوت
۳۴	تبلیغ ولایت در ایام حج
۳۷	پاورقی
۴۱	درباره مرکز

نویسنده: اشرف آشوری

ناشر: اشرف آشوری

ورود فضه به مدینه و آشنایی با اهل بیت

شمیم نواز شگر کوثر چند گاهی آسمان مدینه را آکند و رایحه حضور «بانوی آب فضای شهر را لبریز ساخت. در همین زمان اندک فاطمه فرزائنگانی را پرورش داد که از جاری معرفت نوشیدند. و بر تارک تاریخ درخششی ابدی یافتند.

گذر بر زندگانی پروانگان فاطمی، ضمن تبیین فضای دینی بعد از عروج رسول اکرم (ص)، و بررسی جریانهای سیاسی منحرف، نقش اسوه های جاودانه را که ثباتشان در مسیر حق زیانزد تاریخ شد، آشکار می سازد و راههای عملی دفاع از حکومت علوی را در چشم انداز نسل امروز به تصویر می کشد.

از این مجموعه، گروهی همچون اسماء بنت عمیس و ام سلمه، انسانهایی آزاد و صاحب موقعیتهای قبیله ای و خویشاوندی بودند و برخی دیگر مانند فضه نوبیه، بردگانی آزاده، که از مسیر حق پای به عقب نکشیدند، هر چند پایگاه اجتماعی در اختیار نداشتند و فشارهای اجتماعی مستقیماً روح و جانیشان را آزار می داد. از این روی مروری بر رخدادهای زندگی آزادگان، بهترین الگو برای نسل پویای امروزی است.

دیار فضه

فضه در دامنه رشته کوههای سرخ و برافراشته نوبه در شرق آفریقا به دنیا آمد. این رشته کوهها در جنوب مصر، مناطق وسیعی را شامل می شود و گرداگردش را شهرهای مختلفی احاطه کرده اند. کوه معروف نوبه نیز با قامتی راست و سینه ای سرخ در جزیره حواب واقع شده است. مناطق نوبه ای سرزمین مظلومیتهاست. عوامل طبیعی از قبیل رنگ پوست، فقر، گرمای شدید و کم غذایی، طمع انسان فروشهای بی رحم و سودجو را برمی انگیخت. از این روی کودکان این سرزمین از خردسالی با اسارت دلخراش پدران و مادران جوان خویش روبرو بودند و گاه خود نیز طعمه آدم فروشان می شدند.

فضه کیست؟

صورتی گندم گون و نمکین داشت، گرم و شیرین سخن می گفت. چهره ای مهربان، قلبی غمخوار، قریحه ای دلپذیر و ذوقی ظریف داشت. استعدادهای شگرفی که از خود نشان می داد، از نسب و اصالت ویژه اش حکایت می کرد. از این روی ابن حجر او را دختر یکی از ملوک هند یا حبشه دانسته است. نخستین بار در دوران اولیه بعد از هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه، از این بانوی پرهیزکار در کتب تاریخ نام برده شده است. به نظر می رسد، تا آن تاریخ جنگی بین مسلمانان و سایر کشورها رخ نداد. از طرفی در همین دوره کنیزهای دیگری از نوبه در مدینه به خدمت اشتغال داشتند. از جمله عایشه، حاطب

و... که هر یک کنیزی از نوبه در اختیار داشتند. بنابر این می توان گفت: این گروه از کنیزها از نوبه و سرزمینهای اطراف، توسط تاجران برده جمع آوری و به مناطق داخلی عربستان آورده شدند. و در جنگهای داخلی مسلمین و مشرکین به اسارت مسلمانان درآمدند.

لحظه حضور

انسانهای دلباخته از نقاط مختلف به عشق پیامبر و دیدار روی آخرین فرستاده خدا به مدینه می آمدند و چون مهر پیامبر جانشان را شعله ور می کرد، حاضر به ترک او نمی شدند آنان سرپناهی نداشتند و محتاج غذا و امکانات زندگی بودند. ناچار پیامبر اکرم (ص) بخشی از فعالیتهايش را برای تهیه حداقل امکانات مورد نیاز مهاجران غریب به کار می برد. پیامبر آنان را در کنار مسجد جای داد و از غنایم و... برای تامین نیازهایشان استفاده می کرد.

هر چند به تدریج وضع عمومی مردم مدینه بهتر می شد، اما مهاجران ساکن در صفا عموماً در فقر بودند و همچنان به کمکهای مستقیم رسول خدا وابسته بودند.

دلیل اصلی این امر نداشتن زمین و زراعت که سرمایه اصلی آن روز به شمار می رفت، بود. همین معضل اقتصادی مهاجران از مکه را نیز گرفتار کرده بود که با ایثار و همیاری انصار برطرف شد و اختلاف عمده ای در بین آنان به چشم نخورد. اما این همیاری در باره مهاجران غریب که بدون سر و صدا و تک تک وارد شهر می شدند، هرگز دیده نشد.

خانواده رسول گرامی خصوصا حضرت امیرمؤمنان علی و فاطمه زهرا (علیهم السلام) بر خلاف وضع عمومی با رنج و سختی امور خانه را اداره می کردند. تا آنجا که بر اساس نصوص تاریخی از شدت خستگی رنگ از رخسار دختر رسول خدا پریده، دستانش پینه بسته بود و هر روز بیشتر از قبل قوایش به تحلیل می رفت. گاه شب را با آسیاب کردن به صبح می رساند و علی (ع)، رنجور از زخم مشکی که تا شب بر دوش می کشید، به خانه می آمد و حسن و حسین را در آغوش کشیده، تا صبح از آنها پرستاری می کرد.

عزت نفس فاطمه (س) مانع از آن می شد که اعتراضی به وضع سخت زندگی کند، از این روی هر گاه پیامبر اکرم از حال و روزش سؤال می کرد، ابراز رضایت می نمود. تا اینکه روزی امیرمؤمنان از ورود عده ای اسیر به مدینه مطلع شد. بی درنگ خود را به نزد فاطمه رساند و از آمدن اسیران خبر داد. آن دو لختی اندیشیدند. آنگاه فاطمه نزد پدر آمد. اما بی آنکه سخنی از نیاز بر زبان آورد، به خانه بازگشت. وقتی خود را در مقابل امیرمؤمنان دید، فرمود: از هیبت آن بزرگوار قدرت سخن گفتن از من گرفته

این بار هر دو به حضور رسول خدا آمدند و علی (ع) رشته سخن را در دست گرفت. او از سختی کار خانه برای فاطمه (س) و کار بیرون برای خود حکایتها گفت و در نهایت خدمتکاری از رسول الله درخواست کرد. اشک در چشمان رسول خدا حلقه زد و فرمود: «یا فاطمه والذی بعثنی بالحق ان فی المسجد اربعماه رجل مالهم طعام و لاثیاب و لولا خشیتی خصله لاعطیتک ما سالت یا فاطمه انی لا ارید ان ینفک اجرک الی الجاریه و انی اخاف ان یخصمک علی بن ابی طالب یوم القیمه بین یدی الله عزوجل اذا طلب حقه منک . مدتی بعد از این جریان آنگاه که وضع عمومی اصحاب صغه نیز بهتر شد آنگاه این اسیرها باید فروخته شود و در آمدش برای اصحاب صغه هزینه شود» آنگاه تسبیحات حضرت زهرا (س) را به فاطمه آموخت. روایتی دیگر حکایت از این دارد که؛ آنگاه که پیامبر درخواست آن دو را شنید از جای برخاست و خانه را ترک کرد. در همان حال آیه ای نازل شد «و اما تعرض عنهم ابتغاء رحمة ربک ترجوها فقل لهم قولا میسورا» در پی نزول آیه پیامبر (ص) خدمتکاری از میان اسیران برگزید و به خانه فاطمه (س) فرستاد و نامش را فضه گذاشت. به این ترتیب فضه افتخار یاری رسانی به بهترین بانوی جهان را یافت.

صاحب کتاب «نخبه البیان فی تفضیل سیده النسوان معتقد است که: اعطای خادمه به فاطمه زهرا (س) بعد از زمانی بوده که همه فقراء مدینه از جمله اصحاب صغه به تمکن مالی رسیده بودند او می نویسد:

و اما ما هو المعروف من انه كانت لفاطمه خادمه اسمها فضه

قد وهبها النبي «صلى الله عليه و آله لها فهذا انما كان اخيرا بعد ما كثر اولادها و زادت كلفتها على ما قبل و كثرت الفتوح و المغانم و سلط الله رسوله على من شاء من خبير و بنى قريظه و النضير و غيرهم و استرسلت الدنيا للمسلمين فارتفع الفقر و العناء عن اهل الصفه و ضعفاء المدينة اذ كان الرسول «صلى الله عليه و آله يعطيهم من تلك الاموال فصاروا في سعه و فضل من الله فمن سعه الله و فضله على المسلمين في ذاك الوقت و سع النبي «صلى الله عليه و آله ايضا على ابنته كما ورد عنه انه قال ان المؤمن ياخذ بادب الله تعالى و سع الله عليه استع و اذا امسك عنه امسك.»

آنچه که معروف است، فاطمه خادمه ای داشت اسمش فضه بود و پیامبر به او بخشیده بود، این بعد از زمانی است که اولادش و کارهایش بیشتر از قبل شد. و پیروزی و غنایم افزونتر گشت. رسول خدا بر آنچه از خبیر و بنی قریظه و نضیر و غیر آن به دست آمد مسلط شد. و دنیا به مسلمانان رو کرد. فقر و عنا از اهل صغه و ضعفای مدینه روی بر گرداند چه ث رسول خدا از این اموال به آنها بخشید و آنان به وسعتی که خدا عنایت کرده بود، روی آوردند. پیامبر نیز بر دخترش در این وقت گشایش ایجاد کرد. (روایت کافی در باب کفایه عیال و توسع از کتاب زکاه از امام صادق از پیامبر) همانطور که از پیامبر وارد شده، مؤمن روش خدا را در پیش می گیرد وقتی خدا توسعه داد او نیز توسعه می دهد و آنگاه که

امساک گزید او نیز امساک می کند.

امام صادق (ع) به نقل از امیرمؤمنان در این باره فرمود: «ان رسول الله (ص) اخدم فاطمه ابنته جاریه اسمها فضه النوبیه و کانت تشاطرھا الخدمه رسول خدا برای دخترش فاطمه خادمی استخدام کرد که اسمش فضه نوبیه بود و فاطمه (س) کارهای خانه را بین خود و او تقسیم می کرد.

در مکتب رسول

فضه تنها چند سالی توانست از وجود رسول اکرم (ص) بهره ببرد اما در همین مدت اندک ارتباطی مستحکم بین آنها به وجود آمد. تا آنجا که پیامبر از عمق صفای دل و خلوص این بانوی پاکیزه آگاه بود از این روی دعایی به وی آموخت که هنگام دشواری با خواندن آن گرفتاریش حل می شد. امیرمؤمنان علی (ع) در این باره فرمود: فضه برای تهیه هیزم به بیرون خانه رفت. دسته بزرگی از هیزم تهیه کرد اما به دلیل سنگینی نتوانست بیاورد به یاد دعای پیامبر افتاد پس لب گشود و گفت «یا واحد لیس کمثله احدا تمیت کل احد و انت علی عرشک واحد لا تاخذہ سنه و لا نوم ای یگانه ای که مانند تو کسی نیست. می میرانی هر کسی را و تو بر عرش خود تنهایی، و تو را خواب فرا نمی گیرد.» در همان حال شخصی آمد و او را یاری کرد. گویی او نیز همان دعا را زمزمه می کرد.

روح بلند فضه تا به آن حد اوج گرفت و معنویت در سیمایش جلوه گر شد که شگفتی امیرمؤمنان را برانگیخت و پیامبر خدا از مقام احتیاط و طهارت فضه او را آگاه ساخت. امام صادق (ع) فرمود: امیرمؤمنان (ع) به اتاق عایشه که مجاور اتاق فاطمه (س)

بود آمد و سه بار فضه را صدا زد تا آب برای وضو بیاورد. اما از فضه خبری نشد. هاتفی ظرفی پر از آب زلال حاضر کرد و... امیرمؤمنان بعد از وضو نزد رسول اکرم (ص) آمد. حضرت از آب وضویش که مانند قطرات مروارید ریزان بود سؤال کرد. علی (ع) نیز آنچه گذشته بود را باز گفت، پیامبر فرمود: آنکه تو را صدا زد جبرئیل، آن ظرف از بهشت و آن آب یک سومش از مغرب و یک سومش نیز از بهشت بود. جبرئیل از قول خود و خدا به تو سلام می رساند و می گوید «فضه حائض بود نخواست با آن حال آب وضو حاضر کند». امیرمؤمنان بعد از رد جواب سلام در حالی که از مقام فضه و احتیاط او در شگفتی بود. با تحسین تمام فرمود: «اللهم بارک لنا من فضتنا» خدایا برای مادر فضه مان برکت قرار بده.

زهد علی، عدل زهرا

فضه غالب عمرش را با فاطمه (س) و امیرمؤمنان (ع) گذراند زهد علی و عدالت فاطمه دو اصلی بود که از همان روزهای آغازین حضور خود در بیت نبوت شاهدش بود. هر چند آن دو از منسوبین و بستگان درجه اول پیامبر (ص) بودند، اما کوچکترین امتیازی بر دیگران نداشتند فضه به این حقیقت روز اول ورود به خانه پی برد. دیوارهای کوتاه، اتاق تنگ و کوچک ظروف گلی، زیراندازهای کهنه و نخ نما، لباسهای ساده آنان، چشمان فضه را خیره ساخت.

حافظ رجب بررسی در این باره داستانی بیان می کند که در هیچ یک از کتب دیگر از آن یاد نشده است. او مردی صوفی بود و شیخ حر عاملی می نویسد: در کتابش «مشارق الانوار» افراط

کرده است و او را به غلو نسبت داده اند. از این روی احتمال ساختگی بودن می رود. روشن ترین دلیل در این باره را محمد علی عالمی در کتاب پیغمبر و یاران یادآور می شود او می نویسد: تا اول قرن نهم که بررسی این کتاب را نوشته از این مطلب سراغی نیست. و در کتابی قبل از آن یافت نشده است. و اما اصل داستان او که از آن پس بارها در کتب دیگر نقل شده چنین است.

«وقتی فضا به خانه زهرا (س) آمد، در آنجا غیر از شمشیر و سپر و آسیا نبود او دختر پادشاه هند بود و مقداری از «اکسیر» به همراه داشت قطعه ای از مس را برداشت و به شکل شمش درآورد. دوا بر آن زد و طلا ساخت وقتی پیش امیرمؤمنان آمد و طلا را روبرویش گذاشت و علی (ع) آن را دید فرمود: آفرین ای فضا اما اگر جسم را آب می کردی، رنگش بهتر و قیمتش بالاتر می شد.

فضا گفت: ای آقای من آیا تو هم این عمل را می شناسی؟

فرمود: بله و این کودک (هم آن را بلد است).

فضا با شگفتی پرسید: و این کودک هم می شناسد.

فرمود: این کودک هم می شناسد. آنگاه به حسین (ع) اشاره کرد. آمد و مانند علی (ع) توضیح داد.»

به هر روی هر چند این واقعه از قرن نهم به بعد در کتابهای مختلفی تکرار شده است. و منشا برخی توهمات نیز گشته مانند اینکه برخی فضا را اهل هند پنداشته اند، با این حال روایات و وقایع فراوان دیگری وجود دارد که بیانگر زندگی زاهدانه امیرمؤمنان (ع) است و ما را از مراجعه

به این گونه اخبار بی نیاز می کند. از جمله در کشف الغمه، الغارات، المناقب و دهها سند دیگر به نقل سوید بن غفله آمده است که: عصر یکی از روزها نزد امیرمؤمنان رفتم. دیدم سفره ای پیش روی گسترده که در آن شیر ترش شده قرار داده اند و از شدت ترشیدن، بویش از فاصله دور به مشام می رسید، در دستش نیز تکه نانی دیدم که سبوس جو روی آن پیدا بود و حضرت آن را با دست می شکست و هر گاه نمی توانست آن را به زانو فشار می داد و می شکست و می خورد. از من خواست جلوتر بروم و غذا بخورم. امتناع کردم و گفتم روزه ام.

فرمود: «سمعت رسول الله يقول من منعه الصوم من الطعام يشتهيه كان حقا على الله ان يطعمه من طعام الجنة و يسقيه من شرابها» هر شخصی که روزه گرفتن او را از خوردن غذایی که سیرش می کند بازدارد، حق است بر خدا که از غذای بهشتی اطعامش کند و از شراب بهشتی سیرابش سازد. به فضه که نزدیک حضرت بود گفتم: وای بر تو ای فضه در حق این پیرمرد از خدا نمی ترسی؟ چرا سبوس نان را نمی گیرید، نخاله آن روی نان حضرت معلوم است فضه گفت: به ما فرموده است که سبوس غذا را نگیریم. گاه آن را در کیسه ای می گذارد و مهر هم می زند تا نتوانند سبوسش را بگیرند.

فضه همواره غذای حضرت را که در منزل آماده می شد به ایشان می رساند و به این ترتیب با وی ملازم بود از این روی چندین بار که اشخاص مختلف حضرت را در حال خوردن غذای ساده بعد از خستگی ناشی از کشاورزی می دیدند

به فضا اعتراض می کردند و او که در مقابل این سؤالها قرار می گرفت خود بهتر از دیگران به مقام والای امیرمؤمنان وصی و برادر رسول بزرگ خدا پی می برد عمرو بن حرث نیز یکی از اشخاصی است که به فضا اعتراض کرد.

امیرمؤمنان فرمود: «یا عمرو لقد هانت هذه - و مدیده الی معاینه - و خسرت هذه ان ادخلها النار من اجل الطعام و هذا یجزونی فاطمه (س) نیز با اینکه دختر رسول خدا (ص) بود، هرگز کوچکترین بی عدالتی در حقش روا نداشت. همانند خود به وی نیز اجازه و فرصت عبادت می داد. و از تمام امتیازات چون خودش بهره مند می ساخت.

قطب رواندی می نویسد:

روزی سلمان به خانه فاطمه (س) آمد. آن حضرت را دید که در کنار آسیاب نشسته و به آرد کردن جو برای خانواده مشغول است دست بانوی دو سرا مجروح شده و پینه بسته و خورش بر چوب آسیاب لخته بسته است. در همان حال فرزند کوچکش حسین در گوشه ای از خانه از گرسنگی در اضطراب و گریه است.

سلمان گفت: ای دختر رسول خدا دستهای شما از آسیاب کردن مجروح شده است. فضا خادمه تان حاضر است چرا این کار را به او نمی سپارید؟

فرمود: «اوصانی رسول الله ان یکون الخدمه لها یوما ولی یوما» رسول خدا (ص) به من وصیت کرده است که خدمت خانه یک روز با او باشد و روز دیگر با من و امروز نوبت من است.

ابن حجر عسقلانی در باره عدالت فاطمه روایتی از امام صادق (ع) که از امیرمؤمنان نقل شده را آورده و می نویسد:

«ان رسول الله (ص) اخدم فاطمه ابنته جاریه اسمها فضه النوبیه و

كانت تشاظرها الخدمه. فعلمها رسول الله (ص) دعاء تدعو به فقالت لها فاطمه اتعجيني او تخيزين؟ فقالت: بل اعجن يا سيدتي و احتطب...»

رسول خدا زنی را به استخدام فاطمه در آورد که (فضه نوبیه) نام داشت. رسول خدا به این زن دعایی آموخته بود که پیوسته از آن دعا استمداد می کرد. یک روز فاطمه گفت: آیا خمیر کردن را به عهده می گیری یا نان پختن را؟ فضه گفت: خمیر کردن و هیزم آوردن به عهده من...»

مقام نیکان

اندک زمانی از آشنایی فضه با خاندان طهارت می گذشت. در این مدت او با دریای زهد و عدل پیوندی مستحکم یافت. انس و الفت وی با خاندان پیامبر (ص) تا آنجا پیش رفت که چشمه جوشان معارف را فرا رویش گشود و کام جانش را با عالی ترین معارف الهی و انسانی آشنا ساخت.

«استجاب دعا» از مراتبی است که نصیبت شد. [۱] این کمال روحی، که نشان از موقعیت ممتاز روحی دارد، بارها در زمان رسول اکرم (ص) ظاهر گشت.

در مصابیح القلوب می خوانیم «امیر مومنان، فاطمه، حسن و حسین (ع) هر یک شبی از ماه رمضان رسول الله را برای افطار دعوت کردند، فضه با اینکه خانه ای جداگانه نداشت، برای شب پنجم پیامبر را دعوت کرد. هنگام افطار نگاههای ناباورانه فضه به دیدار چهره رسول اکرم (ص) روشن شد. اهل خانه که غافلگیر شده بودند، گفتند: ما رادر جریان می گذاشتی تا تدارکی ببینیم. فضه که آرزوی میزبانی رسول خدا را داشت، از درگاه الهی طعام خواست و آنگاه که غذا حاضر شد، سفره افطار را گسترده». [۲].

علاوه بر این نشانه های زیادی از مستجاب الدعوه بودن فضه در این دوران به چشم می خورد که همه حکایت

از یک واقعیت دارند. آری، فضا در خانه ولایت پرورش یافته بود، و این امر باعث شد به مرور زمان به والاترین مقام انسانی ست یابد. اوج همراهی و دلبستگی او به اهل بیت را در ماجرای اطعام می یابیم که به واسطه آن فضا به مقام «ابرار» ست یافت. قرآن کریم اینگونه از اطعام فقیر و اسیر و یتیم یاد می کند:

«همانا نیکان از جامهایی می نوشند که آمیخته به کافور است. چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به هر جای که خواهند روان می سازند. به نذر وفامی کنند و از روزی که شر آن فراگیر است، می ترسند. و طعام را در حالی که خود دوست دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می خوراندند و در دل چنین می گویند. جز این نیست که شما را برای خدا اطعام می کنیم و از شما نه پاداشی می خواهیم و نه سپاسی.»

ما از پروردگار خود می ترسیم در روزی که آن روز سخت و هولناک است. خداوند آنان را از شر آن روز نگاه داشت. [۳].
فضا در خانه ولایت پرورش یافته بود.

در کتب روایی و تفسیری شان نزول این آیات را چنین بیان می کنند.

حسن و حسین (ع) فرزندان امیرمومنان (ع) مریض شدند. پیامبر به همراه اصحاب به ملاقات آنان آمد.

وقتی حالشان را نگران کننده دید، یکی از آنان پیشنهاد کرد که ای علی اگر نذر کنی برای سلامتی کودکان امید ست خدا شفایشان دهد. [۴].

علی (ع) فرمود: اگر خدا شفایشان داد، سه روز روزه می گیرم. دختر رسول الله (ص) و خادمش فضا نیز چنین نذر کردند. بعد از مدتی آن دو سلامت خود را باز یافتند.

اینک وقت وفا به نذر رسیده بود.

امیرمومنان به نزد

شمعون خیبری رفت [۵] و مقداری پشم برای رسیدن و سه پیمانانه جوبه عنوان اجرت گرفت و به منزل بازگشت. حضرت فاطمه (س) یک سوم از جو را آرد کرد و نان پخت.

هنگام افطار فقیری آمد و گفت: السلام علیکم یا اهل بیت محمد (ص) فقیری از مسلمانان هستم غذایی به من دهید؛ خدا غذایی از بهشت به شما دهد. همه سهم افطارشان را یکجا جمع کرده به او دادند. روز دوم یتیم و روز سوم اسیری آمد و آنان نیز تمام غذایشان را با رضایت قلبی تقدیم کردند. [۶].

سه روز بود که علی، فاطمه، حسن، حسین و فضه بی هیچ غذایی روزه گرفته بودند.

صبح روز چهارم پیامبر به خانه فاطمه آمد. حسن و حسین از شدت ضعف بر خودمی لرزیدند. حال رسول اکرم دگرگون شد و از امیرمؤمنان علت را سؤال کرد و گفت دخترم را به من نشان بده. علی (ع) رسول خدا را به طرف فاطمه راهنمایی کرد. او در محرابش نماز می خواند در حالی که آثار گرسنگی از سیمایش پیدا بود. ضعف به جسم فاطمه غالب شده و رنگ رخسارش به زردی گراییده بود. پیامبر تا این منظره را دید فرمود:

«وا غوثاه بالله! انتم هذا ثلاث فیما اری؟» پناه بر خدا، شما سه روز به این حال بودید. جبرئیل نازل شد و گفت:

«خذ یا محمد هناک الله فی اهل بیتک بگیر ای محمد! خدا گوارای اهل بیت تو کند. پیامبر فرمود: چه را بگیرم. جبرئیل سوره «هل اتی تا «ان هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورا» را خواند. [۷].

حسن بن مهران معتقد است آنگاه که پیامبر داخل خانه شد و آنها را دید گریان

شدو... جبرئیل این آیات را فرود آورد: «ان الابرار یشربون من کاءس کان مزاجها کافورا عینا یشرب بها عبادالله یفجرونها تفجیرا». [۸].

علامه طباطبایی در ذیل این آیات تفسیری از امام صادق (ع) آورده، می نویسد:

«یوفون بالنذر» یعنی علی، فاطمه، حسن، حسین و خادم آنها فضه [۹] در این میان علامه مجلسی بعد از نقل ۱۵ روایت مختلف از شان نزول این آیات می نویسد: «بعد از آنکه بر اجماع مفسرین و محدثین بر اینکه این سوره در حق اصحاب کساء نازل شد، پی بردی هیچ کس شبیه نیندازد زیرا؛ اینگونه ایثار از غیر ائمه بر نمی آید و نزول این سوره به همراه غذا برای آنها دلیل بر جلال و رفعت و کرامت آنها نزد خداست و اختصاص آنها به این نیکو داشت به همراه مکارم دیگر باعث می شود که نسبت دادن این فضل به غیر آنها که هیچ مکارمی ندارند، قبیح باشد».

این تعریض علامه مجلسی در حقیقت پاسخی به گروههای ناصبی و منحرفین است که غیراهل بیت را مستحق چنین پاداشی دانسته اند و اساسا مدنی بودن این سوره را زیر سؤال برده اند [۱۰] و گرنه تعریض وی به عدم سهم بودن فضه در این پاداش عظیم نمی تواند صحیح باشد.

استاد ذبیح الله محلاتی در ریاحین الشریعه می نویسد: «سی آیه در حق امیرمومنان بدون استثنای فضه وارد شده است که از فوائد و علائم متابعت خلوص مودت اوست. و آن بر حسب ظاهر صبر و شکیبایی بر گرسنگی در مدت سه روز است که در اطعام قرص نان به مسکین و یتیم و اسیر با موالی خود همراهی می کرد.

فضه گرسنه بود زمانی که اهل بیت گرسنه بودند و تشنه بود وقتی تشنه بودند.

نمی خوابید وقتی نمی خوابیدند روزه می گرفت

وقتی روزه بودند...» [۱۱] آنچه برای بانوان ما می تواند راهکاری در عصر حاضر برای دستیابی به قله های معرفت و شرافت معنوی باشد پی بردن به سر مقاماتی است که بانوانی شایسته چون فضا به آن دست یافته اند.

و این راز چیزی جز همراهی با اهل بیت و محو شدن در خواسته آنان نیست. چهار اصل مقدمات همراهی فضا با اهل بیت را فراهم ساخت. این اصول عبارتند از:

۱ وفای به نذر: بشر به هنگام گرفتاری در دام رنج و سختی روی به خدا می آورد، اما به محض خلاصی، خدا از یادش می رود. نذر انسان را به پروردگار توجه می دهد تا گرفتاریش برطرف شود. وفای به عهد و نذر انجام عملی است که خدای تعالی به آن دستور داده و عدم وفا به فراموشی سپردن خداست و به این صورت بین دستیابی به شرافت معنوی و وفاء به نذر رابطه ای عمیق وجود دارد.

۲ ترس از روز حساب: مشخصه دوم ابرار به فکر حساب و روز جزاء بودن است چه انسانهای نیکوکار نیز نمی توانند به طوری که شایسته خداست او را عبادت کنند از این روی همواره نقص و کاستی در اعمال انسان وجود دارد و فضا با آگاهی از این نقیصه و ترس از حساب بود که توانست با میل خود به یاری مستمندان بپردازد.

۳ و ۴ اطعام به نیازمندان و رضایت الهی: سرکوب خودخواهی و برتری جویی در سایه اطعام به دیگران خصوصا نیازمندان تحقق می یابد. اطعام به این معنی است که شخص تنها غم خود را نمی بیند بلکه دیگران را نیز مستحق یاری می داند و به آنان نیز عشق می ورزد. رضایت الهی نیز اساس اعمال است تا آنجا که هیچ درخواستی از فقیر و اسیر و یتیم ندارند و

در هنگام گفتگو نیز با خدا سخن می گویند و از او پاداش می خواهند.

از این روی امام صادق (ع) فرمود:

«و يقولون اذا اطعموهم «انما نطعمكم لوجه الله لانريد منكم جزاء ولا شكورا» قال والله ما قالوا هذا لهم و لكنهم اضمروه في انفسهم فاخبر الله باضمارهم يقولون:

لا نريد جزاء تكافوننا به شكورا تثنون علينا به ولكننا انما اطعمناكم لوجه الله و طلب ثوابه . [۱۲].

«به خاطر خدا غذا می دهیم و از شما جزا و شکری نمی خواهیم امام صادق (ع) فرمود: به خدا قسم این را نگفتند بلکه با خود چنین گفتند و خدا از باطن آنها خبر داد...»

رحلت پیامبر

فضه ضمن کسب فضایل والای انسانی، یاوری دلسوز و مهربان برای فاطمه (س) و فرزندانش بود [۱۳] او در خدمت رسول اکرم سالهایی را سپری کرد تا اینکه سال دهم هجری با تمام حزن و اندوهش فرا رسید. در این سال حال رسول اکرم پس از حجه الوداع رو به وخامت گذاشت و سرانجام در غروب روز دوشنبه ۲۸ صفر سال ۱۰ هجرت به دیدار حق شتافت. [۱۴].

فضه از آن روز تلخ اینگونه یاد می کند:

وقتی پیامبر وفات یافت کوچک و بزرگ سوگوار شدند و گریه بر او زیاد شد و دلداری دهنده نبود و مصیبت وی بر نزدیکان، اصحاب، اولیاء، دوستان، و بیگانگان و خویشان گران بود و کسی را ندیدم از زن و مرد مگر آنکه گریان بود و فریاد می زد. [۱۵].

دوران بعد از رحلت

محور و تکیه گاههای اصلی انقلابی که پیامبر اکرم (ص) بنیانگذاری کرد، از سوی عوامل خارجی مانند روم و تهدیدهایی داخلی همچون منافقان و اقلیتهای دینی ناراضی که در قالب مسلمانان وارد جامعه اسلامی شده بودند، شدیداً معرض مخاطره بود.

آنچه باعث شد فضه راه حق را برگزیند و در مقابل سیل تحریف واقعیتها و غضب حقوق مسلم مقاومت کند، معرفت عمیقی بود که در سایه اهل بیت (ع) به دست آورد.

بنابراین او نمی توانست باور کند بانویی که در تقسیم کار خانه با خادمی تنها وی سرپرست، عدالت را تا آخرین حد رعایت می کند در ادعایش دروغگو باشد. و یا امیر مومنان به حکومت ذره ای دلبستگی داشته باشد.

همه این عوامل موجب شد در میان کشمکشهای سیاسی او راه صحیح را برگزیند و مانند تعداد انگشت شماری از جامعه زنان

(اسماء بنت عمیس، ام ایمن و...) در راه مستقیم ثابت قدم بماند. این گروه از زنان

هر چند اندک بودند، اما توانستند به طور شگفت انگیزی از سیطره فکری و تبلیغی جریان حاکم خارج شوند و این در حالی بود که بعضی نزدیکان پیامبر همچون برخی همسران وی به وضع موجود و حکومت ایجاد شده رضایت دادند.

ارزش رویکرد فضه در این فضای بحرانی آنگاه آشکار می شود که به کنیزان هم گروه و هم وطن وی نظری بیفکنیم که هر یک در خانه ای از خانه های مدینه به خدمتکاری مشغول بودند و هرگز در کشمکشهای سیاسی وارد نمی شدند. از این روی آنگاه که از کنیز عایشه می پرسند از عایشه چه دیدی تنها با این کلام (از او جز خیر ندیدم) خود را خلاص می کند اما سکوت در مکتب فضه جای نداشت. فضه بعد از رحلت رسول اکرم (ص) به گروه اقلیتی از زنان پیوست که با مظلومیت تمام از افشای حقیقت ابا نکرده و درصاف طرفداران امیرمومنان، فاطمه زهرا (س) قرار گرفتند.

روزی که لاله پرپر شد

او به دلیل قرابت با فاطمه (س) از همان لحظات وفات پیامبر (ص) به دقت تمام قضایای پشت پرده برای غصب مقام ولایت را مشاهده می کرد و در کنار آن مظلومیت اهل بیت را به نظاره می نشست. در حالی که برخی از اصحاب به شدت در پی کسب مقام حکومت بودند او فاطمه را می دید که با چشمانی گریان و کمری خمیده از فراق پدر می نالید و با ناله های جان سوز خدو از مظلومیتش شکوه می کند.

ابن ابی الحدید می نویسد: «ابوبکر به همراه ابن خطاب و ابو عبیده و گروهی از اصحاب سقیفه می آمدند در حالی که به هیچ کس برخورد نمی کردند مگر این که او را کتک می زدند و جلو می آوردند و دستش را می گرفتند و روی دست ابوبکر می گذاشتند و خواه نا خواه از او بیعت می گرفتند.» [۱۶] فضه در همین زمان

از وضعیت زهرا (س) خبر می دهد و می گوید:

از اهل زمین، اصحاب و نزدیکان و دوستان کسی به اندازه مولایم فاطمه غمگین و شدیداً گریان نبود. اندوهش تجدید و زیاد می شد و گریه اش افزونتر می شد. و می فرمود:

پدر قوتم رفته و خویشتن داریم را از دست داده ام و دشمنم سرزنش کننده ام شده و حزن و اندوه درونی مرا می کشد.

پدر، یکه و تنها باقی مانده و در کار خود حیران و سرگردانم، صدایم خفته و پشتم شکسته و زندگیم درهم ریخته و روزگارم تیره شده است.

پدر پس از تو برای وحشتم انیسی نمی یابم و مانعی برای گریه ام و یآوری برای ضعفم پیدا نمی کنم.

و می فرمود: ای پدر مردم از ما روی برگردانده اند حال آنکه نزد مردم به برکت تو محترم بودیم و ضعیف شده نبودیم پس کدامین اشک در فراق سرازیر نشود و... [۱۷].

فضه که خود شاهد تمام این مظلومیتها بود و بارها از زبان گویای فاطمه (س) کلماتی چون سرزنش دشمنان، تنهایی، نداشتن یاور، روی گرداندن مردم، استضعاف تحمیل شده و... می شنید چنان اراده ای یافت که بتواند در کنار فاطمه بماند و به دفاع از حریم رسول الهی اقدام کند هر چند خادمه ای بیش نیست و به راحتی عوامل حکومتی می توانند وی را تا مرز نابودی پیش برند.

او راه خود را انتخاب کرد و در مقابل صدماتش را نیز به جان خرید. او درسخت ترین شرایط نیز از همراهی اهل بیت دست برداشت و با غیر امیرمومنان بیعت نکرد. خلیفه دوم طی نامه ای که به معاویه نوشته است از جرات و جسارت فضه سخن می گوید و می نویسد: ای پسر ابوسفیان بدان که با خالد بن ولید، قنفذ و عده ای از خواص اصحابم به در خانه فاطمه آمدیم و

در را به شدت کوبیدیم. در خانه علی، فاطمه، حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و فضا بودند. پس فضا در آمد و گفت: چه می خواهی، گفتم: علی را بگو بیرون بیاید و با جانشین رسول خدا بیعت کند.

آنگاه فضا شروع به احتجاج با من کرد.

گفتم برو و به علی بگو بیرون بیاید. و الا وارد خانه می شوم و او را بیرون می کشم.

فاطمه وقتی این را شنید خود پشت در آمد و گفت: ای گمراهان تکذیب کننده چه می گوید و چه می خواهید؟ از خدا نمی ترسی و داخل خانه می شوی یا با گروه شیطانی خود مرا می ترسانی حال آنکه گروه شیطان ضعیف است وای بر تو و بر جرثقی که نسبت به خدا و رسول او کردی. می خواهی نسل پیامبر را از دین قطع کنی و نورش را خاموش سازی؟ و... [۱۸].

آخرین فریاد

فضا چهره فاطمه (س) را آنگاه که بین در و دیوار ماند، در خاطر نگاه داشت. لحظه ای که فاطمه تنها او را صدا کرده و به کمک طلبید. خلیفه دوم می گوید: هیزم جمع کرده در را آتش زدم. فاطمه پشت در مانع از ورودم شد...

وقتی کشته های بدر و احد را که به دست علی هلاک شده بودند به یاد آوردم برافروختم و لگدی بر در زدم فاطمه در پشت در بود چنان در خانه را فشار دادم که کودکش (محسن) سقط شد. فاطمه چنان نالید که گویا مدینه زیر و رو شد و داد زد:

آه ای فضا به سویم بیا و مرا دریاب به خدا قسم کودکم کشته شد. [۱۹].

محرم کوثر

همراهی فضا با حضرت فاطمه (س) در آن شرایط بحرانی تا به آنجا رسید که جزء معدود محرمان حرم وی شد او باب حضرت فاطمه (س) بود [۲۰] و ارتباط زنان دیگر با حضرت توسط وی صورت می گرفت از این روی فضا از درونی ترین اسرار اهل بیت می توانست مطلع شود و به این ترتیب استوارتر از دیگران در راه حقیقت گام بنهد تا به آنجا مقام محرمیت وی پیش رفت که امام صادق (ع) فرمود: امیرمومنان فرمود:

وقتی از مرقد پیامبر برگشتیم به من ناله کرد. به سویش رفتم و گفتم: چرا شکوه می کنی؟ او از خوابی که دیده بود مرا مطلع کرد و به خدا و رسول خدا از من عهد گرفت که وقتی وفات کرد غیر از ام سلمه (همسر رسول الله) ام ایمن، فضا و از مردان غیر از دو پسرش، عبدالله بن عباس، سلمان فارسی، عمار یاسر، مقداد، ابوذر و حذیفه کسی از آن مطلع نباشد. [۲۱].

عشق او

به فاطمه تا حدی بود که وقتی نامش را می شنید اشک از چشمانش بی اختیار سرازیر می شد. به این جهت وقتی ورقه بن عبدالله نام فاطمه را برد سیلاب اشک بر گونه های فضا جاری شد و گفت ای ورقه بن عبدالله حزن ساکن مرا به هیجان آوردی ومصیبت و دردهای دلم را که در قلم پوشیده بود، آشکار کردی. [۲۲].

همیشه میل قلبی و رضایت خاطر این بزرگوار را بقدر امکان بر میل و رضای خود ترجیح می داد. [۲۳].

شهادت حضرت فاطمه

فضه که خبر وقایع آن روز را با تلاش بسیار برای آیندگان زنده نگاه داشت می گوید: بزرگان مدینه جمع شدند و به سوی حضرت امیرمومنان علی آمدند و گفتند: به فاطمه بگو یا شب گریه کند یا روز حضرت سخن آنان را برای فاطمه بازگفت:

فاطمه فرمود: ای اباالحسن! توقف من در بین آنها کوتاه و مرگم نزدیک است. به خدا شب و روز ساکت نخواهم شد تا اینکه به پدرم رسول خدا ملحق شوم. [۲۴].

علی (ع) خانه ای در بقیع برای او ساخت که حسن و حسین و مادرشان به آنجا رفته می گریستند و امیرمومنان فاطمه را در بین دستهایش به خانه برمی گرداند. [۲۵].

فضه در مراسم غسل حضرت نیز شرکت داشت. او که لحظه لحظه زندگی حضرت فاطمه را از لحظه وفات پیامبر تا شهادت حضرت فاطمه بیان کرده است لحظه غسل تا دفن را از زبان علی (ع) اینگونه شرح می دهد:

«فقال علی والله لقد اخذت فی امرها و غسلتها فی قمیصها و لم اکشفه عنها فوالله لقد کانت میمونه طاهره مطهره ثم حنطتها من فضله حنوط رسول الله و کفنتها و ادرجتها فی اکفانها فلما هممت ان اعقد الردا نادیت یا ام کلثوم

یا زینب یاسکینه یا فضه یا حسن یا حسین هلموا تزودوا من امکم فهذا الفراق و اللقا فی الجنه [۲۶] علی (ع) فرمود: «به خدا قسم کارش را به عهده گرفتم و در لباسش غسل دادم و لباسش را جدا نکردم، به خدا او مبارک طاهر و مطهره بود. آنگاه با باقی مانده حنوط پیامبر حنوط کشیده کفنش کردم و در کفن پیچیدم. وقتی خواستم رداء را ببندم ای ام کلثوم ای زینب ای فضه ای حسن ای حسین بشتابید و از مادرتان بهره بگیرید که این جدایی است و دیدار در بهشت است.» محمد بن هارون بن موسی تلکبری از پدرش از محمد بن هاشم فخل می گوید: وقتی فاطمه وفات یافت امیرمؤمنان غسلش داد و کسی جز حسن، حسین، زینب، ام کلثوم، فضه و اسماء بنت عمیس و... حاضر نبود. [۲۷].

خانواده و فرزندان

بعد از شهادت حضرت زهرا (س)، فشارهای سیاسی قدرت حاکم برای از بین بردن نفوذ و مقاومت اهل بیت و اقلیت طرفدار آنان فزونی یافت. هر دو ستون برپادارنده خمیه اسلام (پیامبر (ص) و فاطمه (س)) فرو ریختند و امیرمؤمنان یکه و تنها با یارانی انگشت شمار در معرض خباثتها و دشمنی ها واقع شد اما فضه، همچنان نزد امیرمؤمنان علی (ع) ماند و از کودکان فاطمه (س) سرپرستی کرد. بر اساس روایتی از امام صادق (ع) در همین دوران امیرمؤمنان، فضه را تشویق به ازدواج کرد. در این خبر که در عوالم العلوم از عمرو بن داود نقل شده، آمده است: «فضه با نظر امیرمؤمنان (ع) به عقد ابو ثعلبه که مردی از اهالی حبشه بود، درآمد و از وی صاحب فرزندی شد و بعد از وفات ابو ثعلبه، با سلیم غطفان ازدواج کرد. در این حین یگانه فرزندش

از ابو ثعلبه وفات یافت.

نصیرالدین امیر صادق در کتاب (فاطمه) بر خلاف دیگر متون ازدواج اول فضا را در زمان حیات حضرت فاطمه می‌داند و می‌نویسد: «ابو ثعلبه از دنیا رفت، فاطمه از فضا دلجویی نمود و او را با خود مانوس کرد تا خود از دار جهان رحلت فرمود. فضا بعد از وفات فاطمه با مردی به نام سلیم از دواج کرد».

این ادعای امیر صادق ظاهراً بدون دلیل است و هیچ مدارکی دال بر اینکه ازدواج وی قبل از شهادت حضرت زهرا باشد، یافت نشد.

در اغلب کتب تاریخی نامی از فرزندان سلیم به میان نیامده است از این رو برخی احتمال داده‌اند فرزندان از شخصی دیگر باشند، چه در موارد فراوانی نام دختر، نوه و پسرانی از فضا نقل شده که مسلم می‌نمایند فضا شوهری غیر این دو نیز داشته است. و یا فرزندان از سلیم، مورد اشاره منابع تاریخ قرار نگرفته‌اند.

علامه مجلسی در خبری از «مسکه دختر فضا و «شهره نوه اش نام می‌برد و ذبیح الله محلاتی در ریاحین الشریعه بعد از نقل روایتی که نام فرزندان پسر (داود، محمد، یحیی و موسی) فضا را ثبت کرده است، می‌نویسد: مرحوم مجلسی مدرک این خبر را در بحار الانوار از دو نفر مشیخه اهل سلوک و عرفان حکایت می‌نماید که بهتر از روایت کثیر الروایه غیر ضابط است.

فضا با وجود تمام درگیریهای سیاسی هرگز شانه از مسؤولیت پرورش فرزندان فرزانه خالی نکرد و چنان به تربیت فرزندان همت گمارد که نسل بعد از نسل حافظ قرآن بوده و از عفاف و تقوا و تقرب نزد خدای متعال در حد کمال برخوردار گشتند تا به آنجا

که در طول تاریخ روایات مربوط به پاکیزگی روحی آنان بارها مورد اشاره و تاکید نویسندگان و محققان قرار گرفته است و به عنوان بانوان نمونه از آنها یاد شده است.

ابن شهر آشوب در مناقب به نقل از مالک دینار می نویسد: «هنگام حج بانویی را دیدم که بر حیوانی ضعیف سوار شده است و زمانی که حاجیان برمی گشتند، در حال رفتن به حج است. وسط بیابان او را دیدم که خسته و رنجور همچنان به زحمت و آرامی راه می پیماید. اندکی جلوتر رفتم و خود را به او رساندم و ملامتش کردم. گفتم: چرا با این مرکب لاغر حرکت کرده ای که چنین در راه بمانی؟

سر به سوی آسمان بالا برد و گفت: «لا فی بیتی ترکنتی و لا الی بیتک حملتنی فوعزتک و جلالک لو فعل بی هذا غیرک لما شکوته الا الیک .

نه مرا به خانه ام واگذاری و نه به خانه خودت رساندی. قسم به عزت و جلالت اگر جز تو چنین می کرد، نزد تو شکایت می آوردم.

همان دم شخصی خود را به او رساند و زمام نایقه اش را در دست گرفت و از او خواست سوار شود. آنگاه نایقه با سرعتی شگفت به پیش تاخت. در جایگاه طواف دوباره همان زن را دیدم حس کنجکاوی را حتم نگذاشت، جلوتر رفتم و پرسیدم تو کیستی؟ گفت: من «شهره دختر مسکه دختر فضا فاطمه زهرا (س) هستم.

اعتراض به حاکمیت

فضه هوش سرشار و قدرت یادگیری بسیاری داشت. قابلیت پذیرش در حد وسیع، وجودش را برای کسب فضایل از اهل بیت (ع) آماده ساخت. از این رو در مدتی اندک به مقامهای والایی در پیروی و همراهی عترت (ع) رسید.

آنچه فضه را از دیگران متمایز می کند و از وی بانویی شاخص برای آیندگان می سازد این است که وی ظرفیت وجودیش اعم از، قدرت، یادگیری، پذیرش حق، خستگی ناپذیری، حافظه قوی، خطابه و قدرت انتقال همه و همه را در راه دفاع از اهل بیت (ع) به کار برد و از هر امتیاز به عنوان ابزاری برای نبرد با ظالمان غاصب سود برد حتی بعد از شهادت حضرت زهرا و تشکیل خانواده (روایات تاریخی به پرجمعیت بودن خانواده وی تاکید دارد) در جریان مبارزه اش وقفه ای ایجاد نکرد. وی با تسلط ویژه ای که به احکام فقهی داشت، به انتقاد علمی از حکام وقت می پرداخت و بر ناروا بودن جایگاهی که در اختیار گرفته اند، اشاره می کرد.

امام صادق (ع) می فرماید: بعد از وفات شوهر اول فضه (ابو ثعلبه) روزی سلیک (شوهر دوم) نزد عمر آمد و از فضه شکایت کرد و گفت: فضه اجازه نزدیکی به من نمی دهد. «فاشتکاهما الی عمرو ذالک فی ایامه. فقال لها عمر: ما یشتکی منك ابومالک یا فضه؟ فقالت: انت تحکم فی ذالک و ما یخفی علیک. قال عمر: ما اجد لک رخصه قالت: یا ابا حفص ذهبت بک المذاهب ان ابنی من غره مات فاردت ان استبری...»

عمر به او گفت: ای فضه ابومالک چه شکایتی از تو دارد؟

- تو حکم می کنی در باره اش؛ پس بر تو مخفی نیست.

- من که دلیلی بر این کار تو نمی بینم.

- ای ابا حفص مذاهب تو را منحرف نکنند. پسرم از (ابو ثعلبه) وفات یافته است؛ در این مدت از حیض استبراء می کردم که اگر حامله ام جنین من بچه ثعلبه است و اگر حیض شدم معلوم شود بچه از ثعلبه

نیست. عمر که در مقابل پاسخ متین فضه درمانده شد، به شگرد همیشگی خود پناه برد و به موضع انفعالی فرو رفت. وی هر گاه که در بین مردم از حل مسایل عاجز می ماند و علی گره را می گشود، با عبارت «لولا علی لهلك عمر» اگر علی نبود خلیفه از بین می رفت، خود را از سرزنش فکری و زبانی مردم می رهانید. این بار نیز گفت: «شعره من آل ابی طالب افقه من عدی یک تار مو از خانواده ابی طالب از قبیله عدی فقیه تر است. عظمت این گفتار آنگاه روشن می شود که بدانیم قبیله عدی در فقاقت سرآمد روزگار خویش و ضرب المثل فقاقت بودند.

فریاد با سکوت

نقطه آغازین مهجوریت اهل بیت را بی گمان باید در آخرین روز مریضی پیامبر اکرم جستجو کرد «هنگامی که پیامبر فرمود برای من استخوان شانه و دوات و یا کاغذ و دواتی بیاورید تا چیزی بنویسم که بعدها گمراه نشوید...»

خلیفه دوم در مقابل درخواست پیامبر گفت: بیماری بر پیامبر غلبه کرده و قرآن پیش شماست. کتاب آسمانی ما را کافی است. ابن عباس دانشمند معروف اسلام که با یادآوری آن روز دانه های اشک بسان مروارید بر روی گونه اش می غلطتید می گوید: بزرگترین مصیبت برای اسلام این بود که اختلاف گروهی از صحابه مانع شد که پیامبر نامه اش را بنویسد؟

همین تفکر که برای جلوگیری از نفوذ امیرمؤمنان و اهل بیت در رهبری جامعه بعد از پیامبر به ذهن برخی صحابه خطور کرد، زمینه های مهجوریت اهل بیت، و احادیث و حقایق دینی را که آنان بیان می کردند، به وجود آورد. به این ترتیب بعد از وفات پیامبر اکرم عموم مردم از منبع جوشان اهل بیت به طور گسترده ای محروم شدند

و جامعه ای به وجود آمد که قرآن ظاهری پایه فکریش و حاکمان تنها مفسرینش شدند در این دوره مفسران مستقل به طور شدیدی از سوی خلافت تحت فشار بودند تا از حریم ظاهر قرآن تجاوز نکنند و به سیره و سخن و رای علی (ع) اشاره نکنند. فضه تدبیری اندیشید وی دیگر سخن نگفت و تنها به تلاوت و پاسخگویی با آیات الهی پرداخت و با این کار آرمانهای اهل بیت و آراء آنان را به مردم بازگو کرد.

یکی از نویسندگان آنگاه که به معرفی فضه و کمالات وی می پردازد، می نویسد: «وقتی دید مردم روایات وارده در باب سفارش اهل بیت و سایر حقایق دین پشت سر انداخته اند، فضه تصمیم گرفت جز به آیات قرآن استشهاد نکند».

به این ترتیب با استشهاد به قرآن جلوی هر گونه اعتراض حاکمان و عوامل آنان را گرفت و آزادانه به نشر فرهنگ اهل بیت (ع) همت گمارد. حفظ قرآن و استفاده به جا از آن از دیدگاه دیگر مبین آگاهی فضه به معارف قرآن و طبیعتا آراء و افکار اهل بیت و خصوصا امیرمؤمنان مراجع به تفسیر و تاویل آیات قرآنی نیز هست چه وی پرورش یافته در خاندان پاکان بود و تمام اعمالش حکایت از تاثیرپذیری علمی و عملی از آنان داشت.

ابوالقاسم قشیری خبری مربوط به حفظ قرآن و تسلط وی به معارف قرآنی از فضه نقل می کند. این مطلب که در منابع گوناگون شیعی و سنی از جمله «الدرالمنثور» و «بحارالانوار» مورد اشاره و استفاده قرار گرفته به این صورت است.

در راه مکه از قافله بازمانده بودم زنی را دیدم که تنها و سرگردان می رود.

پرسیدم کیستی؟ این آیه را خواند «قل سلام فسوف تعلمون سلام کردم و سؤال خود را تکرار نمودم خواند «من یهدی الله فلا مضل له - آنکه را خدا هدایت کند گمراه کننده ای نخواهد داشت.

- از کجا می آیی؟ - «ینادون من مکان بعید» - از مکان دوری ندا می شوند.

- قصد کجا داری؟ - «ولله علی الناس حج البیت

- چند روز است سرگردانی؟ - «و لقد خلقنا السموات و الارض فی سته ایام آیا گرسنه هستی؟ - «و ما جعلناهم جسدا لایاکلون الطعام به او طعام دادم و به راه افتادیم و چون آهسته می آمد تقاضا کردم که شتاب کند زودتر برسیم. - «لا یکلف الله نفسا الا وسعها». دانستم قدرت شتاب ندارد.

درخواست کردم بر تک مرکب من سوار شود. گفت: «لو کان فیهما آلهه الا الله لفسدتا» پیاده شدم و او را سوار کردم. گفت: «سبحان الذی سخر لنا هذا» شکر خدایی را که این مرکب را مسخر ما کرد.

به قافله رسیدیم - آیا میان این کاروان کسی را داری؟ - یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض - یا یحیی خذا الكتاب بقوه - یا موسی انی «انا الله - و ما محمد الا رسول . - اینها چه نسبتی با تو دارند؟ «المال و البنون زینه الحیوه الدنیا» این چهار نفر را صدا زدم چهار تن رسیدند از من اظهار تشکر کردند.

این آیه را خواند «یا ایت استاجرہ ان خیر من استاجرت القوی الامین به من احسان کردند. و الله یضاعف لمن یشاء. عطا را زیادتیر کردند.

- این زن کیست؟ - فضه خادمه دختر پیغمبر است که امسال

بیستمین سال است او لب به سخنی جز به آیات قرآن باز نکرده است.

البته منظور آنان تداوم در ارائه جوابهای قرآنی در طی ۲۰ سال بوده است. و به طور قطع وی در جایگاههای خاص نیز بودن قرآن به پاسخگویی می پرداخت آنگونه که در نقل اخبار مربوط به شهادت حضرت زهرا (س) ثبت شده است که وی طی حدیثی طولانی وقایع آن روز را شرح می دهد. هر چند در این حکایت خاص هیچ نوع اشاره ای که موضعگیری فضا در قبال اهل بیت و مسایل سیاسی و حکومتی عصر خویش را نشان دهد، به چشم نمی خورد. اما نقل آن از جهاتی سودمند است از جمله اینکه گروهی بر اساس نقل دیگری از روایت سعی کرده اند فضا را از این افتخار بی نصیب کنند روایت دوم که از عبدالله بن مبارک نقل شده و همین مطالب را با افزایش و کاهش از زنی گمنام نقل می کند.

تبلیغ ولایت در ایام حج

هر چند اطلاعاتی قطعی در باره زمان مسافرت فضا به مکه مکرمه در دست نیست اما به دلایل و قراینی که در متن اخبار نقل شده وجود دارد به طور قطعی بعد از شهادت حضرت زهرا (س) و قبل از شهادت امیرمؤمنان و به احتمال قوی در دوران خلفاء سه گانه بوده است یعنی دقیقاً بحرانی ترین زمان سیاسی برای اهل بیت (ع). در این دوره غاصبان ولایت وارونه جلوه دادن حقایق را سرمایه تداوم حکومت قرار دادند و با زر و زور و تزویر مخالفین را سرکوب کردند. در این فضای حزن آلود فضا، پرورش یافته فاطمه، که داغ شهادت حضرت زهرا (س) آرامش را از او گرفته بود به دنبال فرصتی می گشت تا حقایق را بازگوید و

مظلومیت امیرمؤمنان را به تصویر بکشد. ایام حج بهترین فرصت ممکن برای این هدف بود از تمام ملل مسلمان نمایندگان در مکه حاضر می شدند و بدون فشارهای و ایجاد آزادی نسبی به تبادل اطلاعات مربوط به کشورها و ممالک اسلامی می پرداختند.

از این کنگره عظیم پیامبر اکرم (ص) نیز برای معرفی امیرمؤمنان (ع) استفاده کرده بود این بار فضا فرصت به دست آمده را غنیمت شمرد. او محل حج را به صحنه با شکوه اعلام حمایت از ولایت امیرمؤمنان (ع) تبدیل کرد و به بازگویی و افشای جنایات علیه اهل بیت پرداخت.

بر اساس آنچه مورخان نقل کرده اند فضا از نبوغ سرشار خود در بلاغت به نحو کامل سود برد به نحوی که شیوایی گفتار و تسلط به خطابه توجه حاجیان را به خود جلب کرد. ورقه بن عبدالله اعلام حمایت از ولایت امیرمؤمنان را اینگونه به تصویر کشیده است:

برای حج و به امید ثواب الهی راهی بیت الله الحرام شدم. در حالی که طواف می کردم متوجه بانویی گندم گون نمکین و خوش کلام شدم که با فصاحت گفتار فریاد کرد: «رب البيت الحرام و الحفظه الکرام و زمزم و المقام و المشاعر العظام و رب محمد خیر الانام صلی الله علیه و آله البرره الکرام ان تحشرنی مع ساداتی الطاهرین و ابنائهم الغر المحجلین الميامین الالفاشهدوا یا جماعه الحجاج و المعتمرین ان موالی خیره الاخیار و صفوه الابرار الذین علاقدرهم علی الاقدار و ارتفع ذکرهم فی سائر الامصار...»

ای خدای بیت الحرام و حافظان گرامی و پروردگار زمزم و مقام و مشاعر و بزرگ و پروردگار محمد بهترین آفریده ها (ص).... مرا با سروران پاک و فرزندان... محشور نمای. ای جماعت حاجیان آگاه

باشید که سروران من بهترین برگزیده ها و نیکوکارانند. کسانی که عظمتشان از همه والاتر است...

تعاریفی که فضه از سروران خود بیان می کرد به گونه ای بود که تنها با مشخصات اهل بیت (ع) مطابق می شد از این روی ورقه بن عبدالله نیز مانند حاجیان دیگر متوجه شد وی از طرفداران اهل بیت و ولایت امیرمؤمنان (ع) است پس جلوتر رفت و گفت: گمان می کنم از دوستداران اهل بیت (ع) هستی.

فضه پاسخ داد: آری. پرسید: خود را معرفی کن و فضه گفت: من خدمتگذار فاطمه زهرا (س) دختر محمد مصطفی (ص) هستم. که خداوند بر پدر و شوهر و فرزندان او درود فرستد.

آنگاه ورقه بن عبدالله تقاضای فرصتی کرد تا سؤالاتش را از وی بپرسد. آنچه که اینک از این گفتگوی افشاگرانه و دردآلود در کتب تاریخی ضبط شده است، بازگوکننده دوران سخت رحلت پیامبر تا شهادت حضرت زهرا (س) است. فضه تمام لحظات را به خاطر سپرده بود از این روی بعید به نظر نمی رسد که تمام اخبار وی حتی اشعاری که از فاطمه زهرا (س) هنگام رحلت پدر بر زبان جاری می کرد، نقل مستقیم باشد. بخشی از آنچه در این گفتگو گذشته، اینچنین است: علی (ع) وقتی فاطمه (س) را در قبر گذاشت و سنگ لحد را چید اینچنین سرود:

اری علل الدنیا علی کثیره و صاحبها حتی الممات علی لکل اجتماع من خلیلین فرقه و ان بقایی عندکم لقلیل و ان افتقادی فاطما بعد احمد دلیل علی ان لا یدوم خلیل

علامه مجلسی وقتی این روایت را از ورقه بن عبدالله نقل می کند می نویسد: (اقول وجدت من بعض الکتب خیرا فی وفاتها (ع) فاحببت ایراده و ان

لم آخذ من اصل يعول عليه). می گویم در برخی از کتابها خبری در باره وفات حضرت زهرا یافتیم که دوست داشتم نقل کنم. هر چند مدرک اصلی که به آن ارجاع داده اند را نیافتیم. با این حال این حدیث طولانی مورد توجه محققان اخیر نیز قرار گرفته است و آنان خبر علامه مجلسی از ورقه بن عبدالله ازدی را نقل کرده اند از جمله آنها می توان به اعلام النساء، ریاحین الشریعه و نهج الحیاه اشاره کرد. دلیل عمده ای که می توان مبنی بر اینکه سفر حج فضه قبل از شهادت امیرمؤمنان بوده، ارائه کرد این است که عبدالله ازدی تنها از شهادت حضرت فاطمه (س) سؤال کرده است.

پاورقی

[۱] الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۷۵، ردیف ۱۶۲۸؛ معالی السبطين، ص ۱۳۶، نقل از لمعه البیضاء.

[۲] رساله هلالیه، ص ۳۱۷ نقل از مناقب و مصابیح القلوب. در باره استجابت دعای فضه به معالی السبطين، شیخ محمد مهدی مازندرانی، ص ۱۳۶ (به نقل از لمعه البیضاء) و شام سرزمین خاطره ها، ص ۱۱۳ رجوع کنید.

[۳] انسان، آیه ۵ تا ۱۱.

[۴] اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۳۱، در الموضوعات، ج ۱، ص ۳۹۰ این واقعه جزء موضوعات آمده است. به اصباحه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۳۸۷ نیز رجوع کنید «کانه موضوع...»، ج ۸، ص ۷۵، ردیف ۱۱۶۲۸.

[۵] در برخی از روایات اشاره به شمعون خیبری یهودی شده است اما برخی دیگر از روایات از وی نامی به میان نیامده است.

[۶] در برخی روایات آمده که اسیر از فضه تقاضای غذا کرد و او غذایش را بخشید، به بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷ تا ۲۵۵ رجوع کنید.

[۷] اسدالغابه، ج ۵، ص ۱۳۱، ینابیع الموده، ص ۹۳؛ کشف الغمه، ص ۴۹.

[۸] به این منابع رجوع کنید: بحارالانوار، ج

۳۵، ص ۲۴۷ (و شان نزولهای دیگر)، امالی صدوق، ص ۱۵۵ و ۱۵۷ در خرایج، ص ۸۲ نامی از فضه نیست و در کشف الغمه ص ۲۰۰ آمده اسیر غذا را از فضه خواست.

[۹] المیزان فی تفسیر القرآن، جزء ۲۹، سوره دهر، ص ۱۳۷، امالی صدوق، ص ۱۱۵ و ۱۵۷.

[۱۰] بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۵۶ و مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۰۵ و ۴۰۶ وی به اشکال برخی از ناصبی ها مبنی بر مکی بودن سوره اشاره کرده و پاسخ می دهد.

[۱۱] ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.

[۱۲] امالی صدوق، ص ۱۱۵.

[۱۳] ارشاد القلوب، ص ۴۲۸.

[۱۴] سیره نبوی ابن هشام، ج ۲، ص ۶۵۸.

[۱۵] «لما قبض رسول الله (ص) افتجع له الصغیر و الکبیر و کثر علیه البکاء و قل العزاء و عظم رزوه علی الاقربا و الاصحاب و الاولیاء و الاحباب و الغربا و الانساب ولم نلق الا کل باک و باکیه و نادب و نادبه، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۳۱۶ تا ۳۱۷ نقل از بحارالانوار.

[۱۶] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۷۴.

[۱۷] «لم یکن فی اهل الارض و الاصحاب و الاقرباء و الاحباب اشد حزنا و اعظم بکاء و انتحابا من مولاتی فاطمه الزهرا (س) و کان حزنها یتحدد و یزید و بکاءها یتشد». «رفعت قوتی و خاشی جلدی و شمت بی عدوی و الکمه قاتلی یا ابنه بقیت و الهه وحیده و حیرانه فریده فقد انخمد صوتی و انقطع ظهری و تنغص عیش و تکدر دهری...»، بحارالانوار، ج ۴۳ (باب ماوقع علیها من الظلم)، ص ۱۷۴ و ۱۷۵، کوکب الدرر، جزء اول، ص ۲۴۱؛ عوالم، ج ۱۱، ص ۴۸۷ و... نقل از نهج الحیاه، ص ۷۲، حرف «پ».

[۱۸] «ایها الظالون المکذوبون ماذا تقولون و ای شیء تریدون؟ یا عمر اما تتقی الله؟ تدخل

علی بیٹی؟ ابھربک الشیطان تخوفنی؟ و کان حزب الشیطان ضعیفا و یحک ما هذه الجراه علی الله و علی رسوله ترید ان تقطع نسله من الدنيا و تفتیه و تطفیء نور الله؟ و الله متم نوره و انتھاره لها طفیانک یا عمر اخرجنی و الزمک الحجہ و کل ضال غوتی اما و الله یابن الخطاب لولا- انی اکره ان یریب البلاء- من لا- ذنب له لعلمت انی ساءقسم علی الله ثم اجدہ سریع الاجابہ.» بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸ و ج ۸، ص ۲۲۹ و ج ۲۸، ص ۲۶۸؛ وافی، ج ۲، ص ۱۸۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۰؛ ارشاددیلمی، ص ۱۷۶؛ الامامہ و السیاسہ، ج ۱، ص ۱۲؛ احتجاج طبرسی، ص ۸۳؛ نهج الحیاء، ص ۱۳۷؛ بیت الاحزان محدث قمی، ص ۱۰۷.

[۱۹] «آه یا فضہ الی فخذیننی و الله قتل ما فی احشایی من الحمل . بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۳۰ (چاپ کمپانی).

[۲۰] ملاہاشم خراسانی از مصباح کفہمی نقل می کند کہ فضہ باب حضرت فاطمہ بود،منتخب التواریخ، ص ۱۱۶.

[۲۱] «قال امیر المؤمنین (ع): فلما انتبھت من مرقدھا صاحت بی فاتیتھا فضلت لها: ما تشکین فخرتنی بخبر الرویاءم اخذت علی عهد الله و رسوله انها اذا توفیت لاعلم احدا الا ام سلمه زوج رسول الله و ام ایمن و فضہ و من الرجال ابنیها و عبد الله بن عباس و سلمان الفارسی و عمار بن یاسر و المقداد و ابوذر و حذیفه . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۸ و ج ۸۱، ص ۳۱۰، ح ۳۰؛ دلائل الامامہ طبرسی، ص ۴۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۶.

[۲۲] ریاحین الشیعہ، ج ۲، ص ۳۱۷.

[۲۳] همان، ص ۳۱۴.

[۲۴] «یا ابا الحسن ما اقل مکثی بینهم و ما اقرب مغیبی من بعد اظھرم فوالله لاسکت لیلا و لا نھارا اذ الحق بابی رسول الله (ص). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۴ تا ۱۸۰.

[۲۵]

بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۰.

[۲۶] همان، ج ۸۱، ص ۳۱۰، ح ۳۱.

[۲۷].

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

